



زمستان فصل جمود و رکود نیست. زمستان سرد با خود گرمی و لطافت را به همراه می‌آورد. در این فصل زیبایی طبیعت، کودکان را بر خلاف تابستان بیشتر می‌توانید در کنار خود داشته باشید و از مصاحبت، مشارکت و همراهی آنها بهره‌گیری کنید.

مناسبت‌های خوب، به‌یادماندنی و ارزشمندی در این فصل از سال تحصیلی وجود دارند. روزهایی چون ایمنی در برابر زلزله، آغاز سال نو میلادی، زنگ هوای پاک در مدارس، آغاز دهه‌ی فجر، میلاد حضرت رسول اکرم (ص) که روز «اخلاق و مهرورزی» است، میلاد امام جعفر صادق (ع)، روز احسان و نیکوکاری و زنگ هم‌یار پلیس، از جمله فرصت‌های مناسب و بهانه‌های خوب برای گرامیداشت اوقات به همراه کودکان در مراکز پیش از دبستان محسوب می‌شوند.

پیشاپیش آغاز سال نو میلادی را به هم‌وطنان و کودکان مسیحی تبریک می‌گوییم و آغاز دهه‌ی فجر انقلاب اسلامی را به یمن روزهای شکوهمند گذشته، گرامی می‌داریم. امید است این مناسبت‌ها بتوانند جایگاه مطلوب و برنامه‌ریزی شده‌ای در اوقات کار با کودکان پیدا کنند و کودکان در این روزها به همراه بزرگ‌ترها، اطلاعات دقیق و به‌کاربستگی درباره‌ی رویدادهای مذکور به‌دست آورند.

در ادامه‌ی یادداشت به نکته‌هایی قابل تأمل نظری می‌اندازیم که مطمئناً توجه به آنها از جانب دست‌اندرکاران و پرورشکاران امر آموزش و تربیت کودکان، بسیار مفید و کارساز است:

● مسئله‌ی رسمی شدن، همگانی شدن و جدی گرفتن آموزش‌های پیش از دبستان

اندیشیدن و تفکر درباره‌ی تصمیم‌گیری‌های ارزنده، امری اساسی است و در فرهنگ مهربانی و عدالت نسبت به کسانی که از حاصل این تصمیم‌ها بهره‌ی می‌برند، ارزشی والا دارد. در مورد مسئله‌ی رسمی شدن آموزش‌های پیش از دبستان، صحبت و حدیث از زوایای متفاوت مطرح است. در تفکر عدالت‌جویانه، بهره‌مندی همه‌ی اقشار کودکان و به‌ویژه کودکان محروم فرهنگی، اجتماعی و آسیب‌پذیر، از منافع و مزایای آموزش‌های پیش از دبستان، مورد توجه است و عدم

برخورداری آنان از این خدمات در سال‌های پایه، باید به‌عنوان چالشی در تصمیم‌سازی‌ها مطرح باشد.

تحقیقات بسیار چشمگیر و معنی‌داری در سراسر جهان، تفاوت قابل توجهی را بین کودکان بهره‌مند از این خدمات و کودکان محروم از این آموزش‌ها نشان داده‌اند. این منافع سرشار و سودمندی‌ها، نه تنها از نظر آمادگی تحصیلی، بلکه از زاویه‌ی آمادگی جسمی و حرکتی، کسب مهارت‌های اجتماعی، سازگاری، رشد گفتاری، خلاقیت، سلامت و بهداشت حاصل شده‌اند. تحقیقاتی نیز که در جامعه‌ی ما و از طریق مراکز تحقیقاتی و پژوهشی دانشگاه‌ها و نیز سازمان‌های ذی‌ربط صورت گرفته‌اند، مؤید امتیازات بسیار این آموزش‌ها برای کودکان برخوردار بوده‌اند. خوش‌بختانه، یافته‌های مندرج در نشریات که اخیراً چشم‌انداز گسترده‌ای یافته‌اند، سبب نگرش‌های مثبت و غنی‌تر در مورد مراکز پیش از دبستان و لزوم اهمیت و توجه به این آموزش‌ها قبل از شروع تحصیلات رسمی شده‌اند.

به نظر می‌رسد با نگاهی عمیق‌تر و تفکری دلسوزانه‌تر به وضعیت کودکان و حقوق آنها، باید به مسئله‌ی یکدست کردن اندیشه‌ها در تصمیمات آینده و در راستای اهداف آموزشی دوره‌ی پیش از دبستان توجه ویژه‌ای صورت گیرد و شورای عالی آموزش و پرورش حامی و بالابرنده‌ی اندیشه‌های بهتر در این زمینه باشد تا ان‌شاءالله در آینده نزدیک و با تصمیمات جدی‌تر در سال ۱۳۹۰ و بعد از آن، این مراکز نقش مثبت‌تری را ایفا کنند. مطمئناً شکاف رشدی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بین اقشار محروم و مرفه باید مسئولانه از میان برداشته شود.

● ایجاد رابطه بین سازمان‌های تصمیم‌ساز هم‌چون آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی

در امر برنامه‌ریزی برای کودکان پیش از دبستان، گزینش مربیان و مدیران، سازمان‌دهی فضا، اخذ مجوز، استانداردسازی و مواردی از این قبیل، در وزارت آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی به روش‌های متفاوتی انجام می‌گیرند و ضرورت اشتراک رویه‌های



نگاهی عمیق‌تر به چند مسئله

دکتر فرخنده مفیدی

بوده است؟ زیرا این آزمون به نوعی نشان‌گر تلاش مربیان، خانواده‌ها و برنامه‌های پیش‌از دبستان در ابعاد خاصی نیز هست. آیا تحقیقی اثربخش در مورد پی‌گیری امور صورت گرفته است؟

از آن‌جا که منظور از آمادگی تحصیلی، توانمندسازی کودک برای سازگاری با الزامات مدرسه و کسب محتوای برنامه‌های درسی است، باید به متغیرهایی هم‌چون محیط، برقراری ارتباط با کودک، وضعیت جسمانی-رشدی او و خانواده و والدینش توجه جدی‌تری داشته باشیم. به‌ویژه لازم است، خانواده‌ها از نتایج کار به درستی اطلاع یابند و برای رفع و رجوع دشواری‌ها به طرز مناسبی هدایت شوند.

بار دیگر برای همه‌ی پرورشکاران امر تربیت، کودکان و خانواده‌های آنان آرزوی موفقیت دارم و از اعضای هیئت تحریریه «رشد آموزش پیش‌دستانی» و تلاش مستمر آن‌ها در شکل‌دهی به این نشریه‌ی قابل استفاده برای جامعه، سپاسگزارم.

این دو نهاد، هم‌چنان در حد بحث باقی مانده است. به راستی مگر به همه‌ی کودکان تحت پوشش نباید با اهداف مشترکی نگریست؟ آیا برنامه‌ریزی برای کودکان ایرانی و در جامعه‌ی اسلامی نباید با نگرش‌های مثبت و یکسانی دنبال شود؟

به نظر می‌رسد به این موضوع نیز باید نگاهی جدی‌تر و لااقل به نفع کودکان پیش از دبستان بیندازیم و بیندیشیم که چرا کودکان با استانداردها، برنامه‌ها، گزینش‌ها و شیوه‌های متفاوتی در این سازمان‌ها به‌سر می‌برند. چرا مربیان و مدیران این مراکز با رویه‌های متفاوتی به کار گمارده می‌شوند و محتوا و روش‌ها چرا باید متفاوت باشند؟

خوش‌بختانه اخیراً نیز نگرش‌های مثبتی شکل گرفته است که ان‌شاءالله عملی‌تر شود.

● مسئله‌ی سنجش ورودی کودکان

در خلال دهه‌های گذشته، تأکید زیادی بر توانایی مربیان برای نشان دادن پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان صورت گرفته و سنجش میزان پیشرفت کودکان، همیشه یکی از وظایف پرورشکاران تلقی شده است. با وجود این که آزمون‌های ورود به آموزش عمومی و سنجش آمادگی نیز به مربیان کمک می‌کند تا کودکان را در بدو ورود به مدرسه به‌درستی مورد سنجش قرار دهند، اما توجه عمیق‌تر به این آزمون‌های خاص و بررسی اثربخشی و رفع دشواری‌های آن‌ها، مسئله‌ی اساسی‌تری است. از آن‌جا که این تحول در نظام سنجش و ارزشیابی، چند سالی است تحت عنوان آزمون آمادگی تحصیلی در کشور ایران اجرا می‌شود، باید نگاهی وسیع‌تر و عمیق‌تر به لزوم بازنگری در سؤالات و چگونگی فرایند کار، به‌ویژه برای کودکان دوزبانه، عدم برخوردار و محروم فرهنگی بیندازیم. باید دید، شیوه‌های دنبال کردن و پی‌گیری مشکلات و رفع دشواری‌های بهداشتی، سلامتی، جسمی، روانی و تحصیلی چگونه

